

## معرفی نسخه

آداب عباسی

صدرالدین محمد تبریزی (قرن ۱۱)

إجازات الرواية والوراثه

شیخ آقا بزرگ بن علی تهرانی (۱۳۸۹ق)

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

---

## آداب عباسی

صدر الدین محمد تبریزی (قرن ۱۱)

---

معرفی: سید محمد عمادی حائری

### درآمد

نگارش‌های شیعیان در دعا، مجموعه‌ای دلپذیر از میراث حدیثی شیعه است که بر تارک آن، نوشتارهای ارجمند شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) و ابن طاووس (م ۶۰۰ق) می‌درخشد. یکی از ارزشمندترین نگارش‌های دعایی شیعه، مفتاح الفلاح، اثر مشهور و ارزشمند شیخ بهاء الدین محمد عاملی، معروف به شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ق)، دانشمند بزرگ روزگار صفویه است.

وی این کتاب را در اعمال و ادعیه استجابی شبانه‌روز تدوین کرده است، بدین گونه که شبانه روز را به شش بخش تقسیم کرده و هر بخش را در بابی جای داده و در پایان نیز تفسیری کوتاه بر سوره «فاتحه» نگاشته است. آرای ارزشمند او در میان نقل ادعیه، ارزشی ویژه به این کتاب بخشیده است.

او این اثر را در آغازین روزهای دهه سوم ماه صفر سال ۱۰۱۵ق، در گنجۀ قفقاز به پایان آورده است.<sup>۱</sup>

---

۱. مفتاح الفلاح فی عمل الیوم واللیلة، بهاء الدین محمد بن الحسین الحارثی العاملی (الشیخ البهائی)، تحقیق: السید مهدی رجائی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق، ص ۸۰۰.

مفتاح الفلاح، از همان ابتدا، مورد توجه دانشمندان و اهل معرفت واقع شد. از جمله، فقیه و عارف سترگ، آخوند ملا حسینقلی همدانی (م ۱۳۱۱ق) شاگردان اخلاقی خویش را به عمل به محتوای این کتاب، سفارش فرموده است.<sup>۱</sup> روی آری به مفتاح الفلاح، سبب شد که از روزگار تألیف آن تا زمان‌های پسین، مترجمانی به برگردان آن به پارسی دست گشایند تا فارسی‌زبانان را نیز از آن، بهره‌ای باشد.<sup>۲</sup>

نخستین کسی که به ترجمه این اثر دست یازید، صدر الدین محمد تبریزی از شاگردان شیخ بهایی است.

### صدر الدین محمد تبریزی

صدر الدین محمد بن محب علی تبریزی<sup>۳</sup> (م ۱۰۵۰ق)، از شاگردان معروف شیخ بهایی است و او را می‌توان از پیشاهنگان نهضت پارسی‌نگاری و ترجمه متون دینی در دوره صفویه برشمرد.

تاکنون، آثار زیر که همگی ترجمه از عربی به پارسی است، از او شناخته شده است:

۱. آداب عباسی: ترجمه مفتاح الفلاح شیخ بهایی<sup>۴</sup> است که درباره آن، سخن خواهیم گفت؛
۲. مختصر آداب عباسی: گزیده آداب عباسی است که بیانات و حواشی شیخ بهایی را در آن

۱. ترجمه مفتاح الفلاح، علی بن طیفور بسطامی، تصحیح: حسن حسن زاده آملی، ص ۲ (مقدمه).

۲. برای آگاهی از این ترجمه‌ها، ر.ک: علوم حدیث، ش ۱۱، بهار ۷۸، ص ۱۰۹-۱۱۲: «ترجمه‌های مفتاح الفلاح و ترجمه آقا جمال خوانساری»، علی صدراپی خویی.

۳. طبقات اعلام الشيعة (القرن الحادی عشر)، آقا بزرگ تهرانی، ص ۵۰۲.

۴. الذریعة، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۲۴.

نیاورده است؛<sup>۱</sup>

۳. عقاید عباسیه: ترجمه رساله کوتاه عقاید فخریه از فخر الدین حلّی، فرزند علامه حلّی است. وی آن را به دستور شیخ بهایی به پارسی برگردانیده است؛<sup>۲</sup>

۴. ترجمه الاثنی عشریة الزکاتیه شیخ بهایی؛<sup>۳</sup>

۵. ترجمه الاثنی عشریة الصلّاتیه شیخ بهایی؛<sup>۴</sup>

۶. ترجمه الاثنی عشریة الصومیه شیخ بهایی؛<sup>۵</sup>

نوشته‌های او در دوران زندگانی استادش شیخ بهایی به رشته تحریر درآمده و چنان‌که می‌نگریم، همه آنها ترجمه نگاشته‌های استاد اوست، بجز عقاید عباسیه که آن را نیز به دستور وی، به فارسی برگردانیده است.



## آداب عباسی

آداب عباسی، مشهورترین اثر صدرالدین تبریزی است و نسخ زیر، قدیم‌ترین دست‌نوشته‌های آن است؛<sup>۶</sup>

۱. نسخه شماره ۱۳۷۱۳ کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، تحریر ۱۰۶۹ ق. ۷.

۱. همان، ج ۴ ص ۱۳۸.

۲. این رساله به کوشش آقای رسول جعفریان منتشر گردیده است.

نک: میراث اسلامی ایران، به کوشش رسول جعفریان، دفتر سوم، ص ۳۶۹-۳۷۸، عقاید عباسیه.

۳. الذریعه، آقا بزرگ تهرانی، ج ۴ ص ۷۴.

۴. همان جا؛ فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۱۶، ص ۱۳۰.

۵. همان جا.

۶. برای آگاهی از نسخ خطی آداب عباسی، ر.ک: فصل‌نامه علوم حدیث، ش ۱۱، ص ۱۰۹-۱۱۰.

۷. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، علی صدراپی خویی، ج ۳۷، ص ۲۳۹.

۲. نسخه شماره ۶۳/۲۰۰ کتاب خانه آیه الله العظمی گلپایگانی، تحریر ۱۰۷۸ق.<sup>۱</sup>
  ۳. نسخه شماره ۵۹۷۳ کتاب خانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار)، تحریر ۱۰۷۸ق.<sup>۲</sup>
  ۴. نسخه شماره ۳۹۵۳ کتاب خانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، تحریر ۱۰۹۱ق.<sup>۳</sup>
  ۵. نسخه شماره ۲۰۰۱ کتاب خانه مسجد اعظم قم، تحریر ۱۰۹۳ق.<sup>۴</sup>
- آنچه در پی می آید، با کاوشی در کهن ترین نسخ خطی این کتاب به نگارش درآمده است.
- آداب عباسی، ترجمه ای روان و بی پیرایه در ترجمه مفتاح الفلاح شیخ بهایی است که کهن ترین برگردان از این اثر به شمار می رود و پیداست که برای عامه مردم به فارسی برگردانیده شده است.
- متن ادعیه، ترجمه نشده و مترجم، تنها عبارات و بیانات شیخ بهایی را به فارسی برگردانده است. از این رو، بی هیچ دیگرگونی، نظم و نسقی نیکو همچون مفتاح الفلاح دارد. در حقیقت، آداب عباسی، فارسی شده مفتاح الفلاح است.
- تنها اختلافی که میان مفتاح الفلاح و آداب عباسی جلب نظر می کند، آن است که مترجم، دیباچه و انجامه مفتاح الفلاح را به پارسی برگردانیده و به جای آن، آغاز و انجامی از خود برنشانده و در نهایت، به شاه عباس صفوی (حک ۹۸۵-۱۰۳۸ق) تقدیم داشته است.

در دیباچه شیخ بهایی علیه السلام بر مفتاح الفلاح، چنین آمده است:

۱. فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله العظمی گلپایگانی، ابوالفضل عرب زاده، ج ۱، ص ۳۷.
۲. فهرست کتاب خانه سپهسالار، محمد تقی دانش پژوه - علی نقی منزوی، ج ۳، ص ۱۵.
۳. فهرست نسخه های خطی کتاب خانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، سید احمد حسینی، ج ۱۰، ص ۳۳۶.
۴. فهرست نسخه های خطی کتاب خانه مسجد اعظم قم، رضا استادی، ص ۵.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي دلّنا على جادة النجاة، وهدانا إلى ما يوجب علو الدرجات، والصلاة على أشرف البريات وأفضل أهل الأرض والسموات، محمد وآله الذين بموالاتهم تقبل الصلوات وبركاتهم تستجاب الدعوات.

وبعد: فإن أقل العباد عملاً وأكثرهم زلاً، محمد، المشتهر بهاء الدين العاملي - وفقه الله للعمل - في يومه لغده، قبل أن يخرج الأمر من يده، يقول: قد التمس مني جماعة من إخوان الدين وخلان اليقين تأليف مختصر يحتوي على ما لا بد لأهل الديانة من الإتيان به في كل يوم وليلة، من واجب العبادات ومندوبها ومحمود الآداب ومرغوبها، مقتصراً في الأعمال المسنونة على ما هو قليل المؤونة كثير المعونة؛ فأجبت مسؤولهم وحققت بتوفيق الله ما مولهم وسمّيته «مفتاح الفلاح سائلاً من الله سبحانه أن ينفع به الطالبين، وأن يجعله من أحسن الذخائر ليوم الدين، ورتبته على ستة أبواب، متوكلاً على ملهم الصواب في كل باب.

الباب الأول: في ما يعمل ما بين طلوع الفجر إلى طلوع الشمس.

الباب الثاني: في ما يعمل ما بين طلوع الشمس إلى الزوال.

الباب الثالث: في ما يعمل ما بين الزوال إلى المغرب.

الباب الرابع: في ما يعمل ما بين المغرب إلى وقت النوم.

الباب الخامس: في ما يعمل ما بين وقت النوم إلى انتصاف الليل.

الباب السادس: في ما يعمل ما بين انتصاف الليل إلى طلوع الفجر.<sup>۱</sup>

صدر الدين تبریزی، در آغاز آداب عباسی چنین سخن رانده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیس و تسبیح، پادشاه قادری را که خلص عبادش<sup>۲</sup> به «مفتاح الفلاح» قد ائتمن المؤمنون

۱. مفتاح الفلاح، ص ۳۵-۴۱.

۲. گلپایگانی: عباد را.

«الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»<sup>۱</sup> اقبال خزان عبودیت و بندگی گشایند و مقریان قدس عبودیتش شاهد اعمار را به حلی «يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۲</sup> آرایند؛ باریافتگان قدس قبولش از ساقی «يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَةٌ مُّخْلَدُونَ»<sup>۳</sup> با ثواب و آبایق و کاس بین معین<sup>۴</sup> رحیق مختوم «وَسَقَنَهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا»<sup>۵</sup> آشامند و جمله عرش تقدیسش بر مساند «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ \* وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب»<sup>۶</sup> آرامند. تقدست عزته و عزت قدرته و صلوات مقدسات و تحیات مطهرات بر اقدس مقدسین و مهللین و اشرف ممجدين و مسبحین، شارب رحیق «وَأَنهَضُوا بِأَنهَضِهِمْ»<sup>۷</sup> شهنشاه میدان «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ»<sup>۸</sup>، محرم بارگاه «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ أَرَضَىٰ»<sup>۹</sup> صاحب سریر «يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ يَكْفُرُونَ \* فَمَنْ أَذِنُ \* وَرَبُّكَ فَكَّرَ \* وَيَنبَأُكَ فَطَرُ»<sup>۱۰</sup> بر آل اطهار و اولاد مطهرین اخبارش، شاهنشاهان ملک «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>۱۱</sup> صلوات و تسلیمات دائمه به دوام عز ربوبیت و قدس الوهیت - تعزز و تقدس و تعالی -.

و بعد: ۱۲

چنین گوید این ذره<sup>۱۳</sup> خاکسار به صدرا شده شهره در روزگار

مرا حقیقت کاپویر علوم اسلامی

۱. سورة مؤمنون، آیه ۱ و ۲.
۲. سورة آل عمران، آیه ۱۹۱.
۳. سورة واقعه، آیه ۱۸.
۴. سورة انسان، آیه ۲۱.
۵. سورة انشراح، آیه ۷-۸.
۶. سورة محمد، آیه ۱۵.
۷. سورة نجم، آیه ۸-۹.
۸. سورة ضحی، آیه ۵.
۹. سورة انبیاء، آیه ۲۸.
۱۰. سورة مدثر، آیات ۱-۴.
۱۱. سورة احزاب، آیه ۳۳.
۱۲. مجلس: و بعد.
۱۳. مجلس: بنده.

ز اطوار نفس از خدا شرمسار  
 که در وقت اقبال شاه جهان  
 شه پادشاهان روی زمین  
 از او رونق دین پاک نبی  
 جبین شهان را درش سجده گاه  
 به خاک درش نقش روی شهان  
 به تدبیر و رای و به اقبال و بخت  
 نکرده به کس مشورت جز خدا  
 خدا نصرتش داده در کارزار<sup>۱</sup>  
 به تیغش برانداخت بنیاد شر  
 به صحت تنش باد و خوش خاطرش  
 فلک بر مراد دلش شادمان  
 سخندان دین، متجهّد زمان<sup>۲</sup>  
 کتابی در آداب طاعت نوشت  
 به لفظ عرب بود آن را بیان  
 برای غلامان خاقان دین  
 چو بر نام شاه جهان شد تمام  
 امید آن که مقبول یزدان شود  
 ببخشد خدا عمر سلمان به او  
 به رونق از او باد شرع نبی  
 نظر بسته بر رحمت کردگار  
 جهانگیر شاهی ده شه نشان  
 ابوالنصر عباس نصرت قرین  
 به او تازه آثار آل علی  
 مسؤید به تأیید و نصر اله  
 چو بر روی زر، نقش روی بتان  
 گشوده جهان را، نشسته به تخت  
 همین از خدا جُسته راه هدا  
 مددکار او احمد و هشت و چار  
 خدا برگزیدش به فتح و ظفر  
 خدا یاور و حافظ و ناصرش!  
 به زیر نگینش تمام جهان!  
 بهاء محمد، سر عالمان  
 در اوراد هر وقت و ساعت نوشت  
 بُد قُرس را نفع چندان از آن  
 به قُرسش بیان کرد این کم ترین  
 شد آداب عباسی اش نیز نام  
 ثوابش ز شاه جهانبان شود  
 بود شمع ایمان، فروزان به او  
 وزاو شاد جدش علی ولی!

۱. مجلس: روزگار.

۲. مجلس: فخر اهل زمان.

ومن الله التوفيق وعليه التكلان.

و این رساله را شش باب است:

باب اوّل، در بیان آنچه از صبح صادق تا طلوع آفتاب به جا باید آورد؛

باب دوم، در بیان آنچه از طلوع آفتاب تا وقت ظهر به جا باید آورد؛

باب سیم، در بیان آنچه از وقت ظهر تا فرو رفتن آفتاب به جا باید آورد؛

باب چهارم، در بیان آنچه از فرو رفتن آفتاب تا وقت خوابیدن به جا باید آورد؛

باب پنجم، در بیان آنچه از وقت خوابیدن تا نصف شب به جا باید آورد؛

باب ششم، در بیان آنچه از نصف شب تا طلوع صبح صادق به جا باید آورد.

ستایش نامه صدر الدین تبریزی درباره شاه عباس صفوی و یادکرد وی از شیخ بهایی، بدانچه در دیباچه عقاید عباسیه آورده، همانند است. وی در آغاز کتاب یاد شده می گوید:

ستایش معبودی را که معرفتش دل را نور است و محبتش روان را بهجت و سرور،  
شاهد حیات ابدی از قدح متابعت محمدی چشانده و ثمره شجره سعادت را در ریاض  
اطاعت اهل بیت عصمت و طهارت رساند [ه]. وبعد:

به عهد جهانگیری شاه دین      شه پسادشاهان روی زمین

جهانگیر شاهی ده شه نشان      ابو النصر عباس صاحب قران

جبین شهان را درش سجده گاه      مؤید به تأیید [و] نصر اله

به صحت تنش باد و خوش خاطرش      خدا، حافظ و یاور و ناصرش

فلک بر مراد دلش شادمان      به زیر نگینش تمام جهان

نواب مستطاب عالمیان مآب، مجتهد الزمانی سلطان العلماء المتأملین بهاء الملة  
والحقیقة والذین محمداً - ادام الله ظله علی رؤوس المؤمنین - در حوالی «باشی آجوق  
گرجستان» ذرة حقیر صدرالدین محمد تبریزی را به ترجمه کردن عقاید فخریه که  
حضرت شیخ فخرالدین بن مظهر حلی - قدس الله روحه - تألیف فرموده: مأمور

ساختند.

امثالاً لامره - دام ظلّه - آن را ترجمه نمود تا جمیع فارسی‌زبانان از آن منتفع گردند و ثواب آن به روزگار فرخنده آثار ظلّ اللهی صاحب قرانی عاید گردد.<sup>۱</sup>

شیخ بهایی در خاتمه مفتاح الفلاح می‌نگارد:

ولنقطع الكلام على لفظي الرحمة والغفران سائلين منه - جلّ شأنه - أن يغمرنا برحمته وغفرانه، ويعاملنا بعفوه وجوده وامتنانه، وأن يوفقنا وسائر الاخوان للمواظبة على العمل بما تضمنه هذا الكتاب وأن يجعله من أحسن الذخائر ليوم الحساب، وتتوكل إليه سبحانه بسيد المرسلين وأشرف الأولين والآخرين، وعترته الأئمة الطاهرين - صلوات الله عليه وعليهم أجمعين - أن لا يردنا عن بابه خائبين وأن لا يؤاخذنا بسوء أعمالنا يوم الدين؛ إنه أرحم الراحمين وأكرم الأكرمين، وسلّم تسليماً كثيراً، برحمتك يا أرحم الراحمين!<sup>۲</sup>

و در انجامه آداب عباسی آمده است:

غفوراً رحيماً كريماً! گناه ما در ماندگان بپيچاره را به آب مغفرت و رحمت بشوی<sup>۳</sup> و تا آخر عمر، از شرّ شیطان نگاه دار و مسلط گردان ما را براو<sup>۴</sup> و مآرب<sup>۵</sup> دازین ما را از خزینه کرم و جود، رواکن و ما را به غیر خود، محتاج مساز و درد ما را خود، دواکن. الحمد لله على التوفيق للإتمام!

برای آن‌که مقایسه‌ای میان مفتاح الفلاح و ترجمه آن در آداب عباسی صورت گیرد، بخشی از مفتاح الفلاح و برگردان پارسی آن را از آداب عباسی می‌آوریم. شیخ بهایی در باب ششم مفتاح الفلاح گوید:

۱. میراث اسلامی ایران، دفتر سوم، ص ۳۷۳؛ نیز ص ۳۷۸، تصویر نسخه خطی.

۲. مفتاح الفلاح، ص ۷۹۹.

۳. مجلس: بشو.

۴. مجلس: -و

۵. مجلس: مراد

## فصل

وبعد فراغك من الركعات الثمان تقوم إلى ركعتي الشفع ومفردة الوتر. وأفضل أوقاتها ما بين الفجرين كما مرّ ذكره في الباب الأوّل عند ذكر الفجر الصادق والكاذب من ورد الرواية بذلك عن أمير المؤمنين عليه السلام. واعلم أنّ الشائع على ألسنة المتأخرين إطلاق الوتر على الركعة الثالثة وحدها لا على مجموع الثلاث. والشائع في الأحاديث الواردة عن أصحاب العصمة - سلام الله عليهم - عكس ذلك. كما رواه شيخ الطائفة في «الشهيد بسند صحيح عن الصادق عليه السلام، أنّ أباه الباقر عليه السلام كان يقرأ في الوتر: «قل هو الله أحد» في ثلاثتهن. وكما رواه فيه بسند موثق عنه عليه السلام أنّه قال: «كان رسول الله صلى الله عليه وآله يصلّي ثمان ركعات الزوال وأربعاً الأولى والثمان بعدها وأربعاً العصر وثلاثاً المغرب وأربعاً بعد المغرب والعشاء الآخرة أربعاً وثمانى صلاة الليل وثلاثاً الوتر وركعتي الفجر وصلاة الغداة ركعتين». الحديث. وكما رواه رئيس المحدثين بسند صحيح عن حفص بن سالم الحنّاط، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «لا بأس أن يصلّي الرجل ركعتين من الوتر، ثمّ ينصرف فيقضي حاجته، ثمّ يرجع فيصلّي ركعة» إلى غير ذلك من الأحاديث الكثيرة. وأمّا إطلاق الوتر على الثالثة وحدها، فهو في الأحاديث قليل جدّاً، لكنّه كثير في عبارات متأخري علمائنا - قدّس الله أرواحهم - . وأمّا القدماء فأكثر ما يُعبّرون عنها بمفردة الوتر، كما عبّر عنها شيخ الطائفة في المصباح وغيره. ومن هذا يظهر أن من نذر صلاة الوتر الموطّقة لم يخرج عن العهدة بيقين إلّا بالإتيان بالثلاث. إنّما ذكره الشيخ الجليل أبو عليّ الطبرسي - عطر الله مرقده - في كتاب مجمع البيان من تعليل تسمية الفاتحة بالسبع المثاني بأنّها تتثنّى قراءتها في كلّ صلاة فرض، ونقل كلام مستقيم خال عن القصور وإنّما أورد عليه من انتفاض هذه الكلّية بصلاة الوتر غير وارد. والله أعلم.<sup>١</sup>

صدرالدين تبریزی، این متن را بدین سان به پارسی برگردانیده است:

## فصل

پس<sup>۱</sup> چون از تعقیب هشت رکعت نماز<sup>۲</sup> فارغ شوی، متوجه شو به دو رکعت شَفْع و یک رکعت وَتَر و افضل وقت هاش از صبح کاذب است تا صبح صادق. بدان که مشهور میان متأخرین فقها آن است که وَتَر، رکعت سیّم است؛ اما شایع و متعارف در احادیث ائمه<sup>۳</sup> معصومین<sup>۴</sup> آن است که وَتَر، هر سه رکعت است و<sup>۵</sup> دو رکعت شفع هم داخل وتر است.

روایت کرده شیخ طوسی<sup>۶</sup> در تهذیب به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق<sup>۷</sup> که حضرت امام محمد باقر<sup>۸</sup> در هر سه رکعت نماز وتر، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» می خوانده و هم او روایت کرده به سند موثق از آن حضرت که گفته: حضرت پیغمبر<sup>۹</sup> می گزارد هشت رکعت نافله زوال و چهار رکعت اولی، یعنی ظهر، و هشت رکعت بعد از آن، یعنی نافله عصر، و چهار رکعت عصر، و سه رکعت مغرب و چهار رکعت عشاء آخر و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر و دو رکعت فجر و نماز غدات، یعنی صبح، دو رکعت تا آخر حدیث. و روایت کرده رئیس المحدثین به سند صحیح از جعفر بن سالم الحنات. گفت: شنیدم<sup>۱۰</sup> از حضرت امام جعفر صادق<sup>۱۱</sup> که می گفت: «باکی نیست آن که بگزارد شخصی دو رکعت نماز وتر را، پس برود و حاجت خود را برآرد و بعد از آن برگردد و به جا آرد دیگر<sup>۱۲</sup> رکعت را» و احادیث در این باب، بسیار است.

و اما اطلاق «وتر» بر رکعت سیّم تنها، در احادیث، بسیار کم است؛ اما در عبارات<sup>۱۳</sup>

۱. گلبایگانی: و

۲. مجلس: + شب

۳. گلبایگانی: - ائمه

۴. مجلس: که

۵. مجلس: شنیده ام

۶. مجلس: یک

۷. گلبایگانی: عبارت

متأخرین<sup>۱</sup> فقها شایع است و اما متقدمین فقها، اکثر، رکعت سیّم را «مفردة وتر» می‌گویند و از اینها ظاهر شد که اگر کسی نذر کند نماز وترِ موظّف را بریء الذمّه نمی‌شود مگر آن‌که هر سه رکعت را به جا آورد و<sup>۲</sup> آنچه شیخ طبرسی<sup>رحمه الله</sup> در کتاب مجمع البیان فرموده که<sup>۳</sup> فاتحه را «سبع مثانی» می‌گویند برای آن‌که دو بار خوانده می‌شود در هر نماز فرضی و سنتی،<sup>۴</sup> وجهی است خالی از قصور، و اعتراض به نماز وتر بر او<sup>۵</sup> وارد نیست.

از آن‌جا که آداب عبّاسی، کهن‌ترین ترجمه کتاب ارجمند مفتاح الفلاح است و نثر آن نیز به گونه‌ای است که هم اینک هم به کار توده مردم می‌آید، سزااست محقّقی میراث پژوه به تصحیح آن، همت گمارد و از نو آن را احیا نماید، تا هم میراثی شیعی را عرضه دارد و هم واسطه قرب بندگان با خدای باشد و مفتاح رستگاری در دستشان نهاد. چنین باد!

مركز تحقیقات کاپویر علوم اسلامی

۱. گلپایگانی: متأخر

۲. مجلس: -و

۳. گلپایگانی: -که

۴. مجلس: سنت

۵. گلپایگانی: -بر او